

نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان

سید قاسم موسوی *

چکیده

تاریخ‌نگاران درباره نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ‌های دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت کلی توجه کرده و به شکل خاص و جداگانه مورد بررسی آنان قرار نگرفته است.

مقاله حاضر به بررسی مواردی مانند جنگ‌آوری و رشادت‌های امام علیه السلام در جنگ بدر و دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق ایشان؛ فداکاری امام علیه السلام در جنگ احد و جان‌فشانی ایشان برای محافظت از پیامبر صلی الله علیه و آله؛ شجاعت امام علیه السلام در جنگ احزاب و سخن تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت؛ پیکار بی‌نظیر امام علیه السلام در جنگ خیبر؛ می‌پردازد.

واژگان کلیدی

حضرت علی علیه السلام، جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، قریش، پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام.

درباره وجود مبارک حضرت علی علیه السلام از ابعاد مختلف، قلم فرسایی شده و سابقه‌ای بس طولانی دارد، ولی به طور مستقل، کمتر در این زمینه تحقیق و بررسی شده است. امام علی علیه السلام پیشوای اول شیعیان است و شخصیت والایی دارد. لذا شایسته است بیشتر با ابعاد مختلف زندگی آن امام همام آشنا شویم تا آگاهی‌مان درباره فضیلت آن حضرت بیشتر شود. این امر به طور کامل ممکن نیست، ولی به گفته مولانا:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

درباره غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و نقش حضرت علی علیه السلام در آنها، منابع بسیاری وجود دارد. ولی سعی شده تا حد ممکن، از منابع دست اول و مورد قبول فریقین استفاده شود. زندگی حضرت علی علیه السلام از هجرت تا وفات پیامبر صلی الله علیه و آله سرشار از فداکاری‌های بزرگ آن حضرت در جبهه‌های جنگ است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، ۲۷ «غزوه»^۱ با مشرکان، یهود و شورشیان داشتند که علی علیه السلام به جز غزوه «تبوک» در بقیه شرکت جستند. در غزوه تبوک نیز به علت حساسیت اوضاع و ترس از توطئه منافقان در مرکز حکومت اسلامی، حضرت علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه ماندند. مقاله حاضر به نقش علی علیه السلام در چهار جنگ بزرگ در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازد.

الف) جنگ‌آوری امام علی علیه السلام در غزوه بدر

جنگ بدر نخستین جنگ تمام‌عیار میان مسلمانان و مشرکان بود. به همین دلیل، نخستین آزمایش نظامی دو طرف به شمار می‌رفت و پیروزی در آن جنگ بسیار مهم بود. این جنگ در سال دوم هجرت رخ داد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این سال آگاهی یافتند که کاروان بازرگانی قریش به سرپرستی ابوسفیان، از شام عازم مکه است و چون راه کاروان از نزدیکی‌های مدینه بود، پیامبر صلی الله علیه و آله با ۳۱۳ نفر از مهاجران و انصار برای به‌دست آوردن کاروان به سوی منطقه بدر، مسیر طبیعی کاروان، حرکت کردند.

هدف پیامبر صلی الله علیه و آله از این حرکت، آن بود که قریش بدانند خط بازرگانی آنها در دست‌رس نیروهای اسلام قرار دارد و اگر آنها از نشر و تبلیغ اسلام و آزادی مسلمانان پیش‌گیری کنند، رگ حیات اقتصادی آنان به‌وسیله نیروهای اسلام قطع خواهد شد.^۲ از طرف دیگر

۱. در اصطلاح سیره‌نویسان، غزوه به آن دسته از نبردهایی می‌گویند که خود پیامبر گرامی اسلام فرماندهی سپاه اسلام را در آنها به عهده داشتند.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی، ج ۲، ص ۲۷۷، قاهره، مکتبه المصطفی البابی الحلبی، افست مکتبه الصدر، تهران ۱۳۵۵ ق.

ابوسفیان، چون از حرکت مسلمانان آگاهی یافت، با انتخاب یک راه انحرافی از کناره‌های دریای سرخ، کاروان را به سرعت از منطقه خطر دور کرد و هم زمان با این کار، از سران قریش در مکه یاری طلبید. در نتیجه، تعداد ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر از مردان جنگی قریش به سوی مدینه حرکت کردند. در هفدهم رمضان، این گروه با مسلمانان رودرو شدند؛ درحالی که نیروی شرک سه برابر اسلام بودند^۱ در این نبرد مسلمانان مانند کفار، به ابزار جنگی زیادی مجهز نبودند.

نقش امام در این غزوه، با اسیر کردن دو نفر از لشکریان کفار قریش شروع می‌شود؛ زیرا اطلاعاتی که آنها از تجهیزات دشمن به مسلمانان دادند، بسیار مهم بود.^۲ نقش دوم حضرت علی علیه السلام به نبرد با ولید بر می‌گردد. در آغاز نبرد، سه تن از دلاوران قریش که تا دندان مسلح بودند، به نام‌های عتبه، پدر هند، همسر ابوسفیان، برادر بزرگ او شیبه و ولید (فرزندعتبه) فریادکنان به وسط میدان آمدند و مبارز طلبیدند. در این هنگام، سه نفر از دلاوران انصار برای نبرد با آنان وارد میدان شدند و خود را معرفی نمودند. قهرمانان قریش از جنگ با آنان خودداری کردند و فریاد زدند: «ای محمد! کسانی که از اقوام و هم شأن ما هستند، برای جنگ با ما بفرست.» در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبیده بن حارث بن عبدالمطلب، حمزه بن عبدالمطلب و حضرت علی علیه السلام دستور دادند به جنگ این سه تن بروند. این سه مجاهد شجاع، روانه رزم‌گاه شدند و خود را معرفی کردند. آنان هر سه نفر را برای مبارزه پذیرفتند و گفتند: همگی هم‌شأن ما هستند. از این سه تن حمزه با شیبه، عبیده با عتبه و علی علیه السلام که جوان‌ترین آنها بود، با ولید روبه‌رو شدند و جنگ تن به تن آغاز گردید علی علیه السلام و حمزه، هم‌آورد خود را به سرعت به قتل رساندند، ولی ضربات متقابل میان عتبه و حمزه هنوز ادامه داشت و هیچ‌کدام بردیگری غالب نمی‌شد. از این رو، آن دو پس از کشتن حریفان خود به یاری عبیده شتافتند و عتبه را نیز به هلاکت رساندند.^۳ علی علیه السلام بعدها در یکی از نامه‌های خود به معاویه با اشاره به این حادثه نوشتند:

شمشیری که آن را در یک جنگ بر جد تو عتبه و ولید و برادرت حنظله فرود آوردم، هم اکنون نزد من است.

۱. همان، ص ۱۳؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۱۲۴، بیروت، دارصادر، ۱۳۹۹ق؛ محمدبن عمر واقدی،

المغازی، ترجمه دکتر محمودمهدی دامغانی، ج ۱، ص ۳۸، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ق.

۲. *السیره النبویه*، ج ۲، ص ۱۳؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۱۲۴؛ *المغازی*، ج ۱، ص ۳۸.

۳. *السیره النبویه*، ج ۲، ص ۲۷۷.

پس از پیروزی سه قهرمان بزرگ اسلام که اثر خردکننده‌ای در روحیه فرماندهان سپاه شرک داشت، جنگ همگانی آغاز شد و به شکست سخت ارتش شرک انجامید؛ به طوری که هفتاد نفر اسیر گشتند. در این جنگ بیش از نیمی از کشته‌شدگان با ضربت شمشیر علی علیه السلام از پای درآمدند.

اهمیت این موضوع از آن جا آشکار می‌شود که رسول‌الله صلی الله علیه و آله دست به دعا برمی‌دارد و می‌گوید:

خداوندا! تمام کفر در مقابل تمام اسلام ایستاده و اگر اینها از بین بروند، دیگر کسی باقی نمی‌ماند که تو را عبادت کند.^۱

به نوشته تاریخ‌نگاران، از جمله شیخ مفید، واقدی و ابن اثیر، ۳۵ تن از کفار به دست آن حضرت کشته شدند. ایشان چنان در میدان جنگ درخشیدند که دوست و دشمن از فداکاری ایشان یاد می‌کنند. ابن هشام می‌گوید:

در این نبرد، یک پرچم سفیدرنگ بود که رسول‌الله صلی الله علیه و آله آن را به دست مصعب بن عمیر سپرد و دوم پرچم سیاه‌رنگ نیز در پیش روی آن حضرت بود به نام عقاب که در دست علی علیه السلام و دیگر در دست یکی از انصار قرار داشت.^۲

نقش علی علیه السلام در این نبرد آشکار است؛ زیرا پرچمی که در دست آن حضرت بود، هیچ وقت به زمین نخورد. به اتفاق تاریخ‌نویسان شیعه و سنی، پهلوانان و دلاورانی چند به دست آن حضرت کشته شدند؛ مانند ولید بن عقبه که دلاوری بی‌باک و جنگ‌جویی چالاک بود و مردان جنگ‌جو از او هراس داشتند؛ یا عاص بن سعید که مردی بس هول‌ناک بود که عمر بن خطاب از ترس شمشیرش در آن جنگ گریخت؛ یا نوفل بن خویلد که از سخت‌ترین دشمنان رسول‌الله صلی الله علیه و آله به‌شمار می‌رفت و قریش او را در کارها پیوسته مقدم می‌داشتند و از او اطاعت می‌کردند؛ یا ابن نوفل که وقتی رسول‌الله صلی الله علیه و آله شنیدند که وی در جنگ حاضر شده، درباره‌اش نفرین کردند و دفع او را از خداوند درخواست نمودند و گفتند: اللهم اکفنی نوفل خدایا مرا از شر نوفل آسوده ساز. چون در پایان جنگ شنیدند که نوفل به دست علی علیه السلام کشته شد، تکبیر گفتند و با این عبارت شکر خدا را به جای آوردند:

۱. شیخ مفید، الارشاد، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت الاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.

۲. المغازی، ج ۱، ص ۳۷۲؛ سیره‌النبری، ج ۲؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۲۵.

الحمد لله الذي اجاب دعوتى فيه!

سپاس خدای را که نفرینم را درباره او اجابت کرد.

در این جا به شورایی اشاره می شود که پیامبر ﷺ تشکیل دادند. این شورا نقش حضرت علی علیه السلام را بهتر نمایان می سازد. بنا بر قول واقدی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون با انصار پیمان دفاعی بسته بودند نه پیمان جنگی، شورایی نظامی مرکب از جوانان انصار و گروهی از مهاجران تشکیل دادند. نخست ابوبکر برخاست و گفت: «بزرگان و دلاوران قریش در تشکیل این ارتش شرکت جسته اند و هیچ گاه قریش اسلام نیاورده و لحظه ای خوار و ذلیل نشده اند و ما هرگز با آمادگی کامل بیرون نیامده ایم».^۲ عمر نیز سخنان دوست خود را تکرار نمود؛ یعنی مصلحت دید که از آن راه به سوی مدینه برگردند. سپس بعضی از انصار سخنانی عرض کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله خوش حال شدند.

پس معلوم می شود که این جنگ برای هر دو طرف سرنوشت ساز بوده است. بنابراین نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ بدر از چند جهت آشکار می شود:

الف) شکست و پیروزی طرفین متخاصم، بستگی به داشتن اطلاعات از نیرو و تجهیزات جنگی هم دیگر داشت. دو نفر از لشکریان قریش به دست علی علیه السلام دست گیر شدند.

ب) چون جنگ بدر، نخستین برخورد بین مسلمانان و کفار قریش بود، نبرد افرادی که در ابتدا با هم مبارزه کردند، تأثیر بسیاری بر روحیه مقابل داشت؛ زیرا هر کدام افراد شجاع و جنگ آور را به میدان فرستاده بودند. حضرت علی علیه السلام با کشتن ولید، روحیه مسلمانان را تقویت کردند.^۲

ج) پرچم داری نقش زیادی در شکست و پیروزی طرفین داشت؛ زیرا هر دو، پرچم را به دست شجاع ترین افراد داده بودند.

د) همان طور که گفته شد، نیمی از کشتگان قریش به دست حضرت انجام گرفت.^۴

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۸۰، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۳۰۳ ق.

۲. ارشاد، ج ۱، ص ۶۶-۶۷

۳. المغازی، ج ۱، ص ۴۸؛ ابی جعفر محمدبن جریر طبری، تاریخ الأمم، مصر، دارالمعارف، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، ص ۱۴۰.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۵۰؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۴، ص ۴۵؛ ارشاد، ج ۱، ص ۶۰ و ۷۰؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۷۶؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۲۷.

ب) غزوه احد

جنگ احد، با مشکلات و گرفتاری‌هایی برای مسلمانان در پی داشت. شهید شدن هفتاد تن از یاران با وفای رسول خدا ﷺ به علت نافرمانی لشکریان از دستور آن حضرت، آزمایش عظیمی برای مسلمانان بود و مؤمنان و منافقان از یک‌دیگر مشخص شدند. خدای تعالی به این حقیقت در قرآن اشاره می‌فرماید: «امیر مؤمنان علی علیه السلام در این امتحان بزرگ، به اتفاق همه تاریخ‌نویسان از همه مسلمانان سر بلندتر و ثابت‌قدم‌تر بود؛ زیرا بر اساس روایات، به جز علی علیه السلام، ابودجانة و سهل بن حنیف، بقیه از میان جنگ گریختند و در میان آن چند نفر نیز فداکاری و شجاعتی که از علی علیه السلام ظاهر گردید، از دیگران ظاهر نشد. در پارهای از روایات آمده است که تنها علی علیه السلام به جای ماندند و بقیه همگی فرار نمودند. و در این جنگ تعداد کشته‌شدگان به دست حضرت علی علیه السلام بیش از بقیه مشرکان بود که به دست سایر مسلمانان به قتل رسیدند!»^۱

دشمنان اسلام بعد از شکست سخت در جنگ بدر، درصدد برآمدند تا انتقام گیرند. بنابراین تصمیم گرفتند تا نیروی فراوان جمع‌آوری کنند و آنها را پس از تجهیز، برای حمله به مدینه آماده سازند. وقتی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خبر رسید که دشمن در پی تجهیز سپاهی بزرگ برای حمله به مدینه است، آن حضرت پس از مشورت، با هزار نیرو از مدینه خارج شدند. در بین راه، هواداران عبدالله بن ابی، منافق مشهور به تحریک او به مدینه باز گشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنجاه نفر تیرانداز را در منطقه‌ای مستقر نمودند که حمله دشمن را احتمال می‌دادند. از آنجا که پرچم‌دار در هر لشکر برای بقیه نیروها، از جهت بالا بردن روحیه نقش مهمی دارد، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم پرچم مهاجران را به دست حضرت علی علیه السلام دادند؛^۲ زیرا امام علی علیه السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همه شجاع‌تر و فداکارتر بود.

نقش حضرت علی علیه السلام در نبرد احد، با کشتن نه پرچم‌دار دشمن روشن می‌شود. نه تن، همگی از بنی عبدالدار بودند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

۱. نک: سوره آل عمران، آیه ۱۴۱-۱۴۲. علامه عبدالحق مالکی از علمای اهل سنت، در مقدمه تفسیر الجامع المحرر می‌گوید: «انه لم یقتل احد یوم احد ما قتله علی علیه السلام».

۲. بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۲۱۰، بیروت، دار لکتب العلمیه، چاپ اول ۱۴۰۵ق: الکامل، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۱۴، ص ۲۵۳، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.

۳. سیره النبویه، ج ۱، ص ۸۳-۸۵.

پرچم‌داران سپاه شرک در جنگ احد، نه نفر بودند که همه آنها به دست علی علیه السلام به هلاکت رسیدند.^۱

این اثیر نیز می‌گوید:

کسی که پرچم‌داران قریش را شکست داد، علی علیه السلام بود.

بنابر قول شیخ مفید، حضرت علی علیه السلام در شورا راجع به این موضوع می‌فرمایند:

شما را به خدا سوگند می‌دهم! آیا در میان شما کسی جز من هست که نه نفر از پرچم‌داران بنی‌عبدالدار را در جنگ احد کشته باشد؟^۲

لشکر دشمن در ابتدا شکست خورد؛ ولی کسانی که برای تیراندازی در دهانه احد گذاشته شده بودند، انجام وظیفه نکردند به جز ده نفر که این ده نفر نیز شهید شدند. سپس دشمن از همان نقطه حمله کرد و بسیاری از مسلمانان فرار کردند، اما حضرت علی علیه السلام جانانه از وجود پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع نمودند و هفتاد زخم بر بدن شریفشان وارد شد. این فداکاری‌ها نقش مهم حضرت علی علیه السلام را نشان می‌دهد. ابن ابی‌الحدید می‌گوید:

هنگامی که لشکر اسلام از پشت سر مورد حمله قرار گرفتند، اکثر یاران محمد صلی الله علیه و آله پا به فرار گذاشتند. پنجاه نفر به طرف پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمان دادند تا حمله دشمن را دفع کنند. علی علیه السلام این کار را انجام داد. در این هنگام، جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «راستی که علی علیه السلام موااسات می‌کند! فرشتگان از موااسات این جوان به شگفت درآمده‌اند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا چنین نباشد! او از من و من از او هستم». جبرئیل عرض کرد: «من هم از شما هستم. پس صدای از آسمان شنیده شد که «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی». ولی گوینده دیده نمی‌شد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که کیست؟ جواب دادند جبرئیل است.^۳

حضرت علی علیه السلام بنابر گزارش ابن‌هشام، هفتاد زخم برداشت و پیامبر صلی الله علیه و آله هم از ناحیه صورت مجروح شدند. فداکاری امام علی علیه السلام باعث شد تا وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله از شرمشکران محفوظ ماند، اما وقتی شایع شد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله کشته شده، لشکر اسلام چند دسته شدند: گروهی به مدینه برگشتند و پس از سه روز معلوم نبود به کجا فرار

۱. الکامل، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۱؛ المغازی، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲. ارشاد، ج ۱، ص ۴۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

۳. الکامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۵۴؛ سیره النبی، ج ۳، ص ۱۰۰؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۲۳۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۵۱؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۶۷.

کرده‌اند؛ مانند عثمان بن عفان و حارثه بن زید. گروهی مانند عمر بن خطاب و طلحه بن عبیدالله، به پشت جبهه برگشتند و منتظر بودند که چه خواهد شد. گروهی می‌گفتند: «کاش در این جا کسی بود که او را نزد عبدالله بن ابی می‌فرستادیم تا او از ابوسفیان برای ما امان بگیرد». انس بن نصر وقتی این حرف را شنید به آنها گفت: «محمد ﷺ کشته شده، خدای محمد ﷺ که کشته نشده است! برگردید بجنگید تا مانند او شهید شوید». گروهی نیز در آن موقع فداکاری بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند و پروانه‌وار دور رسول خدا ﷺ را گرفتند و مانع آزار و حمله دشمن به آن حضرت شدند؛ مانند حضرت علی ﷺ، ابودجانه انصاری، سهل بن حنیف، سعد بن ابی وقاص و طلحه بن زید. حضرت علی ﷺ می‌فرماید:

در آن حال به اطراف خود نگرستم و رسول خدا ﷺ را ندیدم. در میان کشتگان نیز نگاه کردم، او را ندیدم. با خود گفتم: به خدا او کسی نیست که از جنگ فرار کند. در میان کشتگان هم که نیست؛ پس ممکن است خدای متعال به خاطر رفتار ما او را به آسمان برده باشد. از این رو، من هم جنگ می‌کنم تا کشته شوم. روی همین تصمیم، غلاف شمشیرم را شکستم و شروع کردم به جنگیدن. دشمن که چنان دید جلومرا باز کرد. ناگاه چشمم به رسول خدا ﷺ افتاد که در جای خود روبه‌روی سپاه قریش ایستاده است.^۱

زمخسری در خصایص عشره نقل می‌کند که حضرت علی ﷺ بیشترین افراد مشرکان را کشته و فتح در دست او صورت گرفته است. ابورافع می‌گوید: «هنگامی که علی ﷺ پرچم‌داران قریش را کشت، رسول خدا ﷺ چشمش به گروهی از سپاه قریش افتاد که به سویش می‌آیند. پس به علی ﷺ فرمود: "به اینها حمله کن!" علی ﷺ به آنها حمله کرد و یک تن از شجاعان ایشان به نام عمرو بن عبدالله و جمعی دیگری از آنها را کشت و بقیه متفرق شدند. دوباره چشم رسول خدا ﷺ به دسته دیگر افتاد که حمله کردند. باز به علی ﷺ فرمود: "به اینها حمله کن." علی ﷺ به آنها حمله کرد و یک تن از ایشان به نام شبیه بن مالک را کشت و بقیه را متفرق ساخت.»

امام علی ﷺ نقش به‌سزایی در نبرد احد داشت و از همه مهم‌تر، پروانه‌وار دور رسول خدا ﷺ می‌چرخید و از وجود مبارک آن حضرت دفاع می‌کرد و حتی چهارده زخم بر وجود مبارک آن حضرت وارد شد.^۲

۱. سیره النبوه، ج ۲، ص ۸۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۲؛ الکامل، ج ۲، ص ۵۹؛ المناسبات، ج ۱، ص ۲۳۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، مناسبات الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۳؛ بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ق.
 ۲. حلبی، سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۰؛ داراحیاء التراث العربی، چاپ قدیم؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲؛ الکامل، ج ۲، ص ۵۸؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱.

در زمان جاهلیت و پیش از اسلام، رایت (پرچم بزرگ) و لواء (پرچم کوچک) قریش، هر دو در دست قسی بن کلاب جد اعلای رسول خدا ﷺ بود و پس از او رایت هم‌چنان در دست فرزندان عبدالمطلب قرار داشت که هر کدام در جنگ‌ها آن را برمی‌داشتند. آن‌گاه که خداوند پیغمبر ﷺ را به نبوت برانگیخت، رایت‌داری قریش و منصب‌های دیگر، به رسول خدا ﷺ رسید و آن حضرت آنها را در بنی هاشم قرار داد.

در «بودان»^۱ رسول خدا ﷺ رایت را در دست علی علیه السلام قرار دادند. این نخستین جنگی بود که پیامبر ﷺ در آن شرکت داشتند. پس از آن در جنگ‌ها رایت در دست علی علیه السلام بود. واقدی راجع به لواء مهاجران می‌گوید: «رفع لواء المهاجرین الی علی بن ابی طالب علیه السلام و یقال الی مصعب بن عمیر» ولی به گفته ابن هشام، پس از این‌که مصعب بن عمیر از پا درآمد، رسول خدا ﷺ پرچم را به دست علی بن ابی طالب علیه السلام داد و تا پایان جنگ نیز به دست او بود و مردانه از آن پرچم دفاع کرد.^۲ شیخ مفید نیز به همین نکته اشاره می‌کند.

پرچم‌داری نقش مهمی دارد در جنگ داشت. از آن‌جا که حضرت علی علیه السلام فردی شجاع بودند، رسول خدا ﷺ در جنگ احد پرچم را به دست ایشان دادند. از این‌جا نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ احد آشکار می‌شود. مفضل بن عبدالله به نقل از ابن عباس می‌گوید:

برای علی علیه السلام چهار فضیلت است که برای هیچ کس نیست او پرچم‌دار محمد صلی الله علیه و آله در همه جنگ‌ها بود.

زید بن وهب جهنی نیز از زید بن وهب چنین نقل می‌کند:

رسول خدا ﷺ پرچم مهاجران را به دست علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد و آن حضرت آمد کنار لواء انصار ایستاد. ابوسفیان به نزد پرچم‌داران مشرکان رفت و به آنها گفت: «شما می‌دانید که هر چه به سرتان آید به واسطه پرچم است و در جنگ بدر نیز به خاطر افتادن پرچمتان شکست خوردید.»^۳

یکی از پرچم‌داران به نام طلحه بن ابی طلحه که از دلاوران مشرکان بود، به طرف علی علیه السلام حرکت کرد و ضرباتی بین آن دو رد و بدل شد تا اینکه حضرت ضربتی بر وسط

۱. نام دهی میان مکه و مدینه که در سال دوم هجری، در آن‌جا جنگی میان مسلمین و کفار درگرفت که به صلح پایان یافت.

۲. ارشاد، ج ۱، ص ۷۰؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۵۳؛ شیخ صدوق، خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، ص ۵۶۰ قم، منشورات جامعه‌المدرسین، ۱۴۰۳ق.

۳. المغازی، ج ۱، ص ۴۸۳؛ جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره‌النبی صلی الله علیه و آله، ج ۴، ص ۱۹۷.

سرش زد که دو چشمش از اثر آن ضربت از کاسه بیرون افتاد. فداکاری امام علی علیه السلام در نبرد احد را همه فرق نقل کرده‌اند.

ج) غزوه احزاب

در جنگ احزاب، مشرکان با تمام قوا آمدند تا کار مسلمانان را یک‌سره کنند. بنا بر پیشنهاد سلمان فارسی، اطراف مدینه را خندق زدند تا از این طریق جلو دشمن گرفته شود. تعداد مشرکان ده هزار و تعداد مسلمانان سه هزار نفر بود. دشمن به خیال این که در بیرون مدینه با مسلمانان روبه‌رو می‌شود، تا مدینه پیش آمد تا این که با خندق مسلمانان روبه‌رو شد. آنان یک ماه مدینه را محاصره نمودند و سرانجام شکست خوردند. امام علی علیه السلام در شکست مشرکان نقش مهمی داشتند.

در طول محاصره، چند تن از قهرمانان قریش از خندق عبور کردند و مسلمانان را به باد تمسخر گرفتند. یکی از آنها به نام عمرو بن عبدود، با صداهای نکره، خود قلب مسلمانان را به لرزه درآورد و هر لحظه مبارز می‌طلبید. هیچ کس توان مبارزه با او را نداشت و او به مسلمانان اهانت می‌کرد. هر بار علی علیه السلام برای نبرد حاضر می‌شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نمی‌دادند تا این که سرانجام پیامبر صلی الله علیه و آله راضی شدند.^۱ با کشته شدن عمرو به دست آن حضرت، روحیه مسلمانان تقویت و روحیه دشمن تضعیف شد.

عمرو بن عبدود دلاورترین مرد رزمنده عرب به شمار می‌رفت. او را با هزار مرد جنگی برابر می‌دانستند و چون در سرزمین لیل به تنهایی بر گروهی از دشمن پیروز شده بود، به فارس لیل شهرت داشت.

وی پس از پریدن از خندق، فریاد هل من مبارز سرداد. کسی از مسلمانان آماده مقابله با او نشد به جز حضرت علی علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله مانع او می‌شدند. عمرو جسورتر گشت و عقاید مسلمانان را به باد استهزا گرفت و گفت: «شما که می‌گوید کشتگانتان در بهشت و کشتگان ما دردوزخ هستند! آیا کسی از شما نیست که او را به بهشت بفرستم و یا او مرا به دوزخ روانه کند؟» نعره‌های پی در پی عمرو، چنان ترس در دل مسلمانان افکند که هرگونه حرکت و عکس‌العملی را از آنان سلب کرد. هر بار که فریاد عمرو بلند می‌شد، فقط علی علیه السلام بر می‌خاست و از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می‌خواست تا به میدان برود ولی پیامبر صلی الله علیه و آله موافقت نمی‌کرد. این کار سه بار تکرار شد. آخر، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «این عمرو بن عبدود است!» علی علیه السلام عرض کرد: «من هم علی هستم.» سرانجام

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۴؛ ارشاد، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۵.

پیامبر ﷺ موافقت کرد و شمشیر خود را به او داد و عمامه بر سرش بست و برای او دعا کرد.^۱

نقش حضرت علی رضی الله عنه از چند جهت در این نبرد اهمیت دارد:

۱. دل‌بستگی مشرکان به عمرو^۲ و مسلمانان به حضرت علی رضی الله عنه بنابراین، پیکار بین این دو قهرمان بسیار مهم بود.

۲. پیامبر ﷺ در این نبرد فرمودند: فرمود: «برز الا سلام كله الى الشرك كله»^۳ تمام اسلام در مقابل تمام شرک قرار گرفته است. این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که پیروزی یکی از آن دو، پیروزی کفر بر ایمان یا بالعکس است.

۳. در حدیث دیگری نقل شده که پیامبر فرمودند: «لمبارزه علی بن ابی طالب لعمر بن عبدود یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه»؛ پیکار علی رضی الله عنه در روز خندق با عمرو، از اعمال امت من تا روز قیامت افضل است؛ زیرا کشتن عمرو، سر بلندی اسلام و مسلمانان را به همراه داشت و به شکست و خواری مشرکان انجامید. این حدیث در بسیاری از کتب اهل سنت وجود دارد، اما در برخی روایت آمده «ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین»^۴. البته فلسفه این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله روشن است در آن روز اسلام و قرآن بر لب پرتگاه قرار داشت و بحرانی‌ترین لحظات خود را می‌پیمود. کسی که با فداکاری بی نظیر خود اسلام را از خطر نجات داد و تداوم آن را تا روز قیامت تضمین نمود و اسلام از برکت او ریشه گرفت، علی رضی الله عنه بود و بس. جابر بن عبدالله انصاری گویند: «به خدا سوگند تشبیه نکردم داستان کشتن علی رضی الله عنه عمرو را و به دنبال آن خواری مشرکان را جز به آن‌چه خدای تعالی از داستان طالوت و جالوت ذکر کرده در آن‌جا که فرموده: فَهَزَمَهُم بَإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ.^۵ عمرو بن از از عمرو بن عبید از حسن روایت کرده که علی رضی الله عنه هنگامی که عمرو را کشت، سر او را جدا کرد و جلوی رسول خدا بر زمین انداخت. در این وقت ابوبکر و عمر برخاستند و سر علی رضی الله عنه را بوسه زدند. در این هنگام، چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله شکفت و فرمود: «هذا النصر» یا «هذا اول النصر»؛ این است

۱. المناری، ج ۱، ص ۴۷۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۲۸؛ سیره النبویه، ج ۳، ص ۲۲۴؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۴۰۰؛

بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۵.

۳. عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۲، بیروت، دارالعلمیه، چاپ قدیم؛ شرح

نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۴. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۹، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ قدیم.

۵. سوره بقره، آیه ۲۱-۲۵.

نصرت و یاری یا این آغاز نصرت است. در حدیث دیگر حضرت فرمود: «آن روزی که عمرو کشته شد، قدرت و شوکت ایشان شکست و از این پس دیگر به جنگ ما نخواهند آمد و ماییم که در آینده بر دشمنان اسلام حمله خواهیم نمود^۱ و انشاءالله به جنگ آنها خواهیم رفت»^۲.

د) جنگ خیبر

پیامبر خدا ﷺ در سال هفتم هجرت، به جهت خیانت‌های یهودیان خیبر، تصمیم به خلع سلاح آنان گرفت. انگیزه پیامبر ﷺ در این اقدام دو امر بود:

۱. خیبر به صورت کانون فتنه بر ضد حکومت نوپای اسلامی درآمد بود و یهودیان این قلعه، بارها با دشمنان اسلام در حمله به مدینه به‌ویژه در جنگ احزاب، نقش مهمی داشتند. هم‌چنین یهودیان اخراجی از مدینه به تحریک یهودیان خیبر علیه رسول الله ﷺ دست زدند.

۲. در آن زمان ایران و روم به صورت دو امپراتوری بزرگ، با یک‌دیگر جنگ‌های طولانی داشتند، ولی ظهور اسلام به صورت یک قدرت سوم، برای آنان تحمل‌ناپذیر بود. بنابراین، بعید نبود که یهودیان خیبر، آلت دست کسرا یا قیصر گردند و با آنها برای کوبیدن اسلام هم‌دست نشوند. بنابراین پیامبر خدا ﷺ تصمیم گرفت تا آنها را خلع سلاح کند، ولی قلعه خیبر دژهای محکم و تجهیزات دفاعی فراوان داشت. به همین علت، بسیار با کندی سقوط می‌کرد. دژی بنام «قموص» که بزرگ‌ترین دژ و مرکز دلاوران یهود بود، چنان مقاومت می‌کرد که مجاهدان اسلام در فتح آن عاجز ماندند بودند هر یک از سربازان اسلام که پرچم به دست به سوی دژ می‌رفت، بدون پیروزی باز می‌گشت. تا این که پیامبر گرامی ﷺ فرمود: «فردا پرچم به‌دست کسی داده خواهد شد که بدون پیروزی باز نمی‌گردد»^۳ به گفته ابن‌هشام رسول خدا ﷺ فرمودند: «لأقطين الرايه رجلا يحب الله ورسوله ليس بفرار يفتح الله على يديه»^۴.

کلام رسول خدا ﷺ نقش مهم حضرت علی عليه السلام را نشان می‌دهد؛ این کلام، چنان شوری در بین اصحاب ایجاد کرد که خواب را از چشم همه ربود و هر کس آرزو می‌کرد

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۲.

۲. سیدهاشم رسولی محلاتی، زندگانی امیرالمؤمنین، ص ۱۱۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۶؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ عمر بن عبدالله القرطبی، الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰، ق: الکامل، ج ۲، ص ۲۱۹.

۴. سیره النبویه، ج ۲، ص ۳۴۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹.

که ای کاش فردا پرچم در دست او باشد. عمر بن خطاب گفت: «تا الان امارات را دوست نداشتم، اما با این سخن پیامبر ﷺ، علاقه‌مند شدم تا فرماندهی به من واگذار شود.» سلمه بن عمرو اکوع گوید: «رسول خدا ﷺ پرچم جنگ را که سفید رنگ بود به دست ابوبکر داد و او را برای فتح یکی از قلاع خیبر فرستاد، ولی او نتوانست کاری بکند و بازگشت. رسول خدا ﷺ فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند به دست او قلعه را فتح می‌کند، هیچ‌گاه از برابر دشمن نگریزد.» چون روز دیگر شد، علی رضی الله عنه را طلبید. آن حضرت چشم‌درد داشت. رسول خدا ﷺ آب دهان خود را به چشم علی رضی الله عنه مالید، آن‌گاه فرمود: «این پرچم را بگیر و پیش برو تا خدا قلعه را برایت بگشاید.» علی رضی الله عنه پرچم را گرفت و به سرعت به سوی قلعه روان شد. و من نیز دنبال او بودم. او هم چنان هروله‌کنان تا پای قلعه آمد و پرچم را در وسط سنگ‌های نزدیک قلعه، در زمین فرو برد. مردی از یهودیان از بالای دیوار قلعه سرکشید و گفت: «تو کیستی؟» او پاسخ داد: «منم علی.» آن مرد روبه یهودیان فریاد زد: «سوگند به آن‌چه بر موسی نازل شد که مغلوب شدید!» علی رضی الله عنه از آن‌جا بازنگشت تا این‌که خداوند قلعه را به دست او گشود.» او از قول ابورافع می‌گوید: هنگام جنگ با یهودیان، سپر از دست علی رضی الله عنه افتاد و آن حضرت دروازه قلعه را از جا کند و آن را به دست گرفت و سپر خویش قرار داد. و تا پایان جنگ در دست او بوده چون قلعه را فتح نمود، آن را به سویی افکند. در آن هنگام، من و هفت نفر دیگر نزد آن درب رفته، هرچه کردیم، نتوانستیم آن‌را از جا حرکت دهیم.»

ابن هشام برخلاف دیگر تاریخ‌نویسان سنی مذهب، قتل مرحب را به محمد بن مسلمه نسبت داده در حالی که ابن سعد، پس از نقل حدیث معروف لاعطین الرايه غدا...^۱ می‌گوید: «علی رضی الله عنه پرچم را به دست گرفته، بیرون آمد و مرحب نیز در حالی که رجز می‌خواند، شمشیر به دست به جنگ علی رضی الله عنه آمد.» آن‌گاه رجز او و پاسخ علی رضی الله عنه به او را نقل می‌کند. سپس می‌گوید: «علی رضی الله عنه با شمشیر خود فرق مرحب را شکافت و او را به قتل رساند و قلعه را فتح کرد.»^۲ تاریخ‌نویسان دیگر اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی نقل کرده‌اند که پس از پایان جنگ، چهل نفر کمک کردند تا توانستند آن درب را به جای خود برگردانند. قاضی عضدالدین ایجی در شرح مواقف و چند تن دیگر از محدثان، با مختصر اختلافی نقل کرده‌اند که حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «والله ما قلمت باب خیبر بقوه جسمانیه بل بقوه

۱. الکامل، ج ۲، ص ۲۱۹؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۶.

۲. سیره النبویه، ج ۳، ص ۳۳۵؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۳۹، با ترجمه سیره النبویه ابن هشام، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ترجمه سیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۷.

رحمانیه» به خدا سوگند در بقلعه را به نیروی جسمانی از جای نکنم، بلکه با نیروی رحمانی و الهی آن را کندم.^۱ این دلیری، فضیلت و برتری امام و سهم بالای آن حضرت را در تحولات صدر اسلام نشان می‌دهد.

نتیجه

با استناد به گفته تاریخ‌نویسان شیعه و سنی، هیچ صحابه‌ای همانند علی علیه السلام در میدان رزم با کفار برابری نمی‌کند. لذا آن حضرت در جنگ‌ها، نقش مهمی داشته‌اند. این فداکاری‌ها نشانه ایمان امام علی علیه السلام به هدف مقدس ایشان است. برای مثال، نقش امام در جنگ احد، بهترین محک برای شناخت مؤمن از غیر مؤمن و عالی‌ترین مقیاس برای شناسایی پایه ایمان بسیاری از مدعیان بود. فرار مسلمانان از میدان جنگ، چنان تأثیرانگیز بود که زنان مسلمان به میدان آمدند تا از وجود پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کنند. زنی به نام «نسیه» وقتی فرار مدعیان بی‌ایمان را دید، شمشیری به دست گرفت و از رسول خدا صلی الله علیه و آله جانانه دفاع نمود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله جان‌بازی او را مشاهده فرمود، جمله تاریخی خود را درباره او چنین بیان کردند: «مقام نسیه بنت کعب خیر من مقام فلان فلان».

در جنگ احزاب نیز اگر علی علیه السلام فداکاری نمی‌کردند، آیین شرک مشعل فروزان اسلام را خاموش می‌کرد. بنابراین اسلام و ایمان افراد مرهون فداکاری پر ارزش امام علی علیه السلام است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۲؛ سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، ص ۶

فهرست منابع

۱. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن هشام، السیره النبویه، بيروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ قدیم.
۳. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تحقیق، عبدالله الضیای، بيروت، لبنان، دار لکتب العلمیه، سوم ۱۴۱۸ق.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بيروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ق.
۶. بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد و مدینه السلام، بيروت، دار لکتب العلمیه، چاپ قدیم.
۷. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بيروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۸. پشوی، مهدی، سیره پیشوایان اسلام، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام چاپ هشتم، ۱۳۷۸.
۹. جعفریان، رسول، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول ۱۴۸۰ق.
۱۰. حلبی، علی بن برهان الله، السیره الحلبیه، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ قدیم.
۱۱. خوارزمی، الموفق بن احمد البکری المکی الحنفی، المناقب، تحقیق فضیله الشیخ مالک المخمودی، مؤسسه سیدالشهدا علیه السلام مؤسسه انتشارات جامعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۱ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بيروت، لبنان، دار لکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۰۸ق.
۱۴. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله قم.
۱۵. قرطبی، عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بيروت، لبنان، دار لکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۳۰۳ق.

۱۷. محلاتی، سیدهاشم، *زندگانی امیرالمؤمنین علیؑ* قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نیشابوری، عبدالله الحاکم، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، لبنان، دارالعلمیه، چاپ قدیم.
۱۹. واقدی، محمد، *المغازی*، تحقیق: دکتر مارسون، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی